

بررسی نقش عوامل انسجامی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن (بر اساس الگوی هالیدی و حسن)

علی شاهپری*

کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران

مهدی مهدوی‌نیا**

استادیار زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

عباس سماواتی***

استادیار فقه و تفسیر حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸)

چکیده

انسجام، عوامل و روابط انسجامی در نگاهی ساده موضوعی بدیهی به نظر می‌رسد، اما نگاهی موشکافانه تر به موضوع مشخص می‌کند که عوامل انسجامی نقشی مهم در برقراری ارتباط به عنوان وظیفه اصلی زبان ایفا می‌کنند. در این پژوهش، به اهمیت عوامل انسجامی در ترجمه قرآن مجید به زبان انگلیسی تأکید شده است. در این بررسی مشخص شد که بی‌توجهی به عوامل انسجامی در ترجمه قرآن، منجر به ترجمه‌های غیرمنسجم و بی‌کیفیت می‌گردد. نویسندگان می‌کوشند علت این موضوع را بررسی کنند که مترجمان قرآن چگونه می‌توانند ترجمه‌های دقیق، فصیح، منسجم و پذیرفتنی ارائه نمایند که به متن قرآن نزدیک‌تر است. بنابراین، محققان سه مترجم قرآن را انتخاب کرده‌اند (جان اربری مسیحی، طاهره صفارزاده مسلمان و شیعه، عبدالله یوسف علی مسلمان و سنی) و نیز دو عامل انسجامی ارجاع و تضاد را نیز از میان عوامل انسجامی بر اساس الگوی هالیدی و حسن برگزیده‌اند (در پژوهش‌های مربوط به انسجام متن، پژوهشگران بیشتر نظریات هالیدی و حسن را به طور عام به عنوان الگوی کار قرار، و تحقیقات را انجام داده‌اند). بر این اساس، نویسندگان این مقاله ترجمه‌های مترجمان نامبرده را درباره این دو عامل انسجامی و بر پایه مدل مربوط در آیات ۲۱ تا ۳۵ سوره یوسف بررسی کرده‌اند و تفاوت‌های ترجمه آن‌ها را نیز یاد نموده‌اند. سرانجام، مشخص شد که جان اربری ترجمه‌ای دقیق‌تر، روان‌تر، فصیح‌تر و کامل‌تر را نسبت به دو مترجم دیگر انجام داده است؛ زیرا به عوامل انسجامی مربوط دقت کرده است و آن عوامل را در ترجمه خود مد نظر قرار داده است. در نتیجه، ترجمه او پذیرفتنی‌تر و نزدیک‌تر به متن مبدأ (قرآن) است.

واژگان کلیدی: انسجام (درون‌متنی و برون‌متنی)، عوامل انسجامی (ارجاعات، تضاد)، مدل هالیدی و حسن قاضی.

* نویسنده مسئول (E-mail: ali.shahpari2014@gmail.com)

** E-mail: internationalschool@mahdavischool.org

*** E-mail: ab.sama@chmail.ir

مقدمه

انتقال علم، تجارب و فرهنگ از طریق ترجمه صورت می‌گیرد و زبان‌شناسی کاربردی نقش مهمی در ترجمه دارد. یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی، بحث گفتمان کلام (انسجام، پیوستگی، وحدت کل متن) می‌باشد که قرآن با توجه به اینکه معجزه الهی و کتاب مسلمانان است و اسلام نیز طبق آیات قرآن و اعتراف بسیاری از دانشمندان، فلاسفه و بزرگان مسلمان و غیرمسلمان، جمع تمام ادیان و در نتیجه، قرآن نیز جمع کتب تمام ادیان می‌باشد، فصاحت و بلاغت ویژه‌ای دارد و جملات (آیات و سوره‌های) آن انسجام و پیوستگی بالایی دارد. بنابراین، ترجمه این کتاب الهی، کار بسیار طاقت‌فرسا و سختی بوده‌است و همیشه مترجمان را با مشکلات فراوانی روبه‌رو ساخته‌است. در نتیجه، ترجمه قرآن به زبان انگلیسی نیز همیشه با نقص‌ها و مشکلاتی همراه بوده‌است. پس این انگیزه‌ای شد تا پژوهشگر مشکلات را بیابد و برای شناسایی عوامل انسجامی در دو متن مبدأ و مقصد (عربی و انگلیسی) تلاش نماید و با مقایسه، هر یک از این مشکلات را ارزیابی و تا حد امکان برطرف نماید و این کار بر اساس الگوی هالیدی و حسن (۱۹۷۶م). انجام شد. اگر محقق در باب تحلیل گفتمان (انسجام، پیوستگی، وحدت معنایی کل متن) بررسی لازم را انجام دهد و این موضوع را در بحث ترجمه قرآن به زبان انگلیسی مورد مذاقه و تجزیه و تحلیل قرار دهد و در واقع، در دو زبان مقصد و مبدأ، عوامل انسجامی را شناسایی، مقایسه و بررسی نماید، آن زمان است که می‌توان به یک ترجمه مناسب‌تر و با کیفیت بالاتری دست یافت و تا حد امکان به متن اصلی قرآن و انسجام، فصاحت و بلاغت آن نزدیک شد.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات زیادی در باب بحث گفتمان کلام و عوامل انسجامی انجام، و مقالات و کتاب‌هایی نیز در این زمینه منتشر شده‌است. همچنین، در بحث ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف، به‌ویژه زبان انگلیسی در سطح دنیا کارهای فراوان انجام شده‌است، اما در زمینه بررسی

عوامل انسجامی در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی کارهای کمتری صورت گرفته است و مقاله و کتاب چندانی نیز چاپ نشده است. با وجود این، به اختصار به کارهای انجام شده و آثار معنون در این زمینه اشاره می شود.

اولین ترجمه انگلیسی قرآن از سوی الکساندر صورت گرفته است. این ترجمه مستقیماً از متن عربی قرآن نبوده، بلکه از ترجمه فرانسوی شخصی به نام آندره درایر (۱۶۴۷م.) به انگلیسی برگردانده شده است. در سال ۱۷۳۴، ترجمه جرج سیل منتشر شد که برای اولین بار در آن متن کامل قرآن از اصل عربی آن به انگلیسی برگردانده شده بود. بر اساس نوشته عبدالله یوسف علی، این ترجمه در طول ۱۲۷ سال پس از اولین انتشار آن، حداقل ۱۷ بار در انگلستان و آمریکا تجدید چاپ شده است و جزو آثار کلاسیک درآمد و در کشورهای انگلیسی زبان به عنوان یک ترجمه مطلوب و عالی مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۰۵ میلادی، برای اولین بار یک مترجم مسلمان به نام «دکتر محمد عبدالحکیم خان» ترجمه انگلیسی را خود از قرآن به چاپ رساند. به دنبال او، ترجمه های زیاد دیگری از قرآن به زبان انگلیسی در نقاط مختلف جهان منتشر شد.

از جمله مترجمان سرشناس دیگر که ترجمه های زیبایی از قرآن را عرضه کرد، «پیکتال» است که ترجمه اش در سال ۱۹۳۰ منتشر شد. پیکتال نظریات زبان شناختی ارزشمندی را در باب ترجمه قرآن بیان کرد. وی نظریه ترجمه ناشدنی بودن قرآن را پذیرفت و معتقد بود قالبها و ساختار واژگانی و معنایی زبان انگلیسی، ظرفیت و گنجایش مفاهیم غنی قرآن را ندارد. پیکتال اعتراف می کند که ترجمه او تحت اللفظی است. اثر او اولین ترجمه انگلیسی قرآن به قلم یک مسلمان است که زبان مادری او انگلیسی بود. البته چنان که اشاره شد، قبل از پیکتال، بسیاری از غیرمسلمانان انگلیسی همچون جرج سیل (۱۷۳۴م.)، الکساندر راس (۱۶۴۹م.)، ادوارد هنری پالمر (۱۸۸۰م.)، جانم. رادول (۱۸۶۱م.) و برخی از مسلمانان شبه قاره چون محمد عبدالحکیم خان (۱۹۰۵م.)، میرزا ابوالفضل (۱۹۱۲م.)، محمدعلی لاهوری (۱۹۱۷م.) و میرزا حیرت دهلوی (۱۹۱۶م.) ترجمه های کامل یا ناقصی از قرآن انجام داده بودند، اما پیکتال اولین کسی است که در مقدمه ترجمه اش به صراحت کار خویش را برگردان مفهوم و معنای قرآن

می‌نامد و از به‌کار بردن نام ترجمه لاتین (Trans) درباره آن خودداری می‌کند. ترجمه پیکتال از جمله ترجمه‌های متداول و مشهور در جهان اسلام است. از مترجمان مشهور دیگر، آربری می‌باشد که ترجمه وی در سال ۱۹۵۵ چاپ شد و در مقایسه با سایر ترجمه‌های قرآن، توجه بیشتر این مترجم، به سبک قرآن است. آربری نیز مانند پیکتال معتقد است آنچه مترجمان پیش از وی به عنوان ترجمه انگلیسی قرآن ارائه داده‌اند، به علت توجه نکردن آن‌ها به سبک خاص قرآن در مقابل عظمت و زیبایی بس شکوهمند متن اصلی آن سُست و بی‌روح به نظر می‌رسد؛ چراکه قرآن نه نثر است و نه نظم، بلکه ترکیبی بی‌مانند از هر دو است. از مترجمان دیگر می‌توان به ترجمه ابوالعلاء مودودی و ترجمه شاکر اشاره کرد.

اما در ادامه به آثار، مکتوبات، مقالات و پایان‌نامه‌هایی اشاره می‌شود که تاکنون در باب موضوعات فوق در داخل و خارج انجام شده‌است.

- ۱- مقاله «نگاهی اجمالی به ترجمه‌های انگلیسی قرآن» به قلم الخاص ویسی در مجله زبان و علوم قرآن (ر.ک؛ ویسی، ۱۳۸۰: ۶۷-۸۱).
- ۲- مقاله «ضرورت شناخت و کاربرد انسجام و پیوستگی در ترجمه انگلیسی قرآن کریم» نوشته جلال‌الدین جلالی در مجله ترجمه وحی (ر.ک؛ جلالی، ۱۳۸۸: ۱۵-۵۱).
- ۳- مقاله «بررسی مشکلات معادل‌یابی واژگان قرآن و مذهبی در زبان انگلیسی» نوشته الخاص ویسی در مجله پیک نور (ر.ک؛ ویسی، ۱۳۸۲: ۱۱-۲۲).
- ۴- مقاله «کژتابی‌های ترجمه قرآن به زبان انگلیسی» نوشته محمد عبدالوی و ترجمه ابوالفضل حرّی در مجله پژوهش‌های قرآنی (ر.ک؛ عبدالوی و حرّی، ۱۳۸۹: ۳۶۴-۳۸۰).
- ۵- مقاله «بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم» نوشته سید محمدجواد وزیری فرد. در مجله روش‌شناسی علوم انسانی. (ر.ک؛ وزیری فرد، ۱۳۷۸: ۶۵-۸۴).
- ۶- مقاله «نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن» نوشته عبدالله عبدالرحمن الخطیب و ترجمه سعید زعفرانی‌زاده در مجله ترجمان وحی (ر.ک؛ الخطیب، ۱۳۸۹: ۷۲-۹۶).

- ۷- مقاله «نقدی گذرا بر نمونه‌هایی از ترجمه انگلیسی قرآن کریم» نوشته شمس‌الدین نوری نجفی در مجله دانشکده علوم انسانی (س ۱۴ و ش ۵۸).
- ۸- مقاله «نقد و ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم از سوره مبارکه انسان» نوشته محمود واعظی در مجله پژوهش دینی (ر.ک؛ واعظی، ۱۳۸۸: ۱۶۳-۱۸۸).
- ۹- مقاله «نکاتی در باب ترجمه برخی الفاظ و اصطلاحات قرآنی» نوشته آ. بن شمش و ترجمه و تقریر ابوالفضل حرّی در ترجمان وحی (ر.ک؛ بن شمش، ۱۳۹۰: ۶۹-۹۳).
- ۱۰- مقاله «مطالعه تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی سوره حمد» نوشته علیرضا انوشیروانی در مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان (ر.ک؛ انوشیروانی، ۱۳۸۵: ۱۷-۴۲).
- ۱۱- مقاله «درباره کتاب سبک‌شناسی قرآن اثر حسین عبدالرئوف»، نوشته ابوالفضل حرّی در مجله دین (ر.ک؛ حرّی، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۹).
- ۱۲- مقاله «بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم» نوشته عبدالرضا قوامی در مجله تحقیقات اسلامی. (ر.ک؛ قوامی، ۱۳۸۶: ۸۱-۱۱۴)
- ۱۳- مقاله «بررسی تطبیقی ترجمه‌های شاکری و آربری از قرآن کریم» نوشته داریوش نژاد انصاری در مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) (ر.ک؛ نژادانصاری، ۱۳۸۱، ج ۱۳: ۱۶۷-۱۸۰).
- ۱۴- مقاله «ترجمه انگلیسی جدید از قرآن کریم». نوشته بهاء‌الدین خرمشاهی در مجله بینات (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۷۳: ۱۰۸-۱۱۲).
- ۱۵- کتاب مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی) اثر طاهره صفارزاده (۱۳۸۰).
- ۱۶- مقاله «روابط مفهومی در مجموعه داستان یکی بود یکی نبود» نوشته معصومه الیاسیان الانکس و علیرضا شعبانلو در فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی (ر.ک؛ الیاسیان الانکس و شعبانلو، ۱۳۹۰: ۷۹-۹۶).

۱۷- پایان‌نامه «اهمیت عوامل انسجامی در ترجمهٔ رمان»، نوشتهٔ رمضانعلی روشنعلی (ر.ک؛ روشنعلی: ۱۳۸۷).

18- («The cohesive Role of Reference in Quranic Texts» Wafa Abu Hatab. *Jordan-JKAU. Educ.Sci. Vol.16. Pp: 39-51 (2003).*

19- («Parallelism as a Cohesive Device in English and Arabic Prayers» Rana Najj Aziz. Supervised by Asst. Abbas Lutfi Hussien (Ph.D). (2012).

20- («Message of the Quran» Translated and explained by Muhammad Asad; <http://arthursclassiconovels.com/arthurs/Koran/Koran-asad10.html>.

21- («Implicit vs. Explicit Textualization of Conjunctive Cohesion with Reference to Translation» Salim Yahya. *Adab AL-Rafidayn. Vol. 42. 2005.*

22- («The Quran Translation Explication Procedures in Translating Implicature in the Chapter Yusuf» Ebrahim Davoudi Sharifabad & Abdul Amir Hazbavi. Department of English language translations teaching. Bandar Abbas Branch. Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

۲. بیان مسئله

مترجمان بسیاری از فرهنگ‌های مختلف اقدام به برگرداندن قرآن نموده‌اند و به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و معجزه‌آسای قرآن و فاصله‌های فرهنگی و دینی میان زبان قرآن و زبان مقصد کار ترجمهٔ قرآن را مشکل ساخته‌است و باعث شده نتوانیم به ترجمه‌ای کاملاً دقیق، زیبا، روان، فصیح و رسا دست یابیم. به همین دلیل، در ترجمهٔ قرآن همیشه ایرادها و آشفتگی‌هایی وجود داشته که علت نبود تأثیر بایسته و مناسب قرآن بر خوانندگان، همین ترجمه‌های نامناسب و بی کیفیت است.

این موضوع محقق را تشویق نمود تا ریشهٔ این مشکلات را دریابد و در این راستا تلاش کرده‌است که عوامل انسجام را در دو متن مبدأ و مقصد شناسایی کند و در این دو متن، موضوع عوامل انسجامی را مقایسه، و آنگاه این مشکل را ارزیابی و بررسی نماید تا بتوان به ترجمه‌ای مناسب، دقیق، روان، رسا و نزدیک به متن مبدأ (قرآن) دست یافت.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن کریم همواره از سوی دانشمندان، محققان، نویسندگان و پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است که حاصل و نتیجه این توجهات و تحقیقات، آثار ارزشمند و بزرگی است که در قالب تفاسیر، علوم قرآنی، به ویژه ترجمه های ارزشمند مختلف نوشته شده اند. بحث انسجام و پیوستگی در قرآن بی نظیر ارائه شده است و در سطوح مختلف زبانی و فرازبانی، این انسجام و پیوستگی به گونه ای است که تمام سوره ها و آیات قرآن را پیوسته و درهم تنیده کرده است و وجود روابط محکم و استوار بین سوره ها و آیه ها حاکی از این موضوع است که قرآن از ابتدا تا انتها منسجم، پیوسته و منعکس کننده ارتباط منطقی و وحدت معنایی شگفت انگیز و منحصر به فرد است و همین شاخص، کار ترجمه قرآن را دشوار ساخته است.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند مترجمان قرآن علاوه بر برخورداری از مهارت های ترجمه باید به علوم قرآنی، معارف اسلامی، علوم تفسیری و علم حدیث نیز آشنا و مسلط باشند، لیکن علی رغم شکاف ها و فاصله های فرهنگی میان زبان قرآن و زبان مقصد، توجه به واقعیت های زبان شناختی و فرازبان شناختی، از جمله دقت در بحث گفتمان کلام (انسجام، پیوستگی و وحدت متن)، می تواند تأثیر بسزایی در کیفیت ترجمه و نزدیکی متن مقصد به متن اصلی (قرآن) داشته باشد.

بنابراین، بحث توجه به عوامل انسجامی و در نتیجه، نزدیک شدن به ترجمه های مناسب و با کیفیت قرآن، اهمیت و ضرورت توجه به این موضوع را برجسته می نماید. ضمناً این موضوع کمتر مورد توجه دانشگاهیان بوده و مطالعات بیشتری باید در این زمینه در سطوح دانشگاهی و حوزه انجام گیرد و این تحقیق می تواند ابتکاری برای تحقیقات بیشتر باشد، ضمن اینکه اطلاعات و نتایج این تحقیق می تواند در بحث اهداف آموزشی و تربیتی در برنامه های دینی و مذهبی به کار گرفته شود و برنامه آموزشی مناسبی برای مترجمان و جامعه دانشگاهی در رشته مترجمی قرار گیرد و با این تحقیق، می توان به الگویی مناسب برای ارزیابی کیفی ترجمه های قرآن دست پیدا کرد.

۴. پرسش پژوهش

چه تفاوت‌هایی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن سه مترجم (جان آرتور آربری، طاهره صفارزاده و عبدالله یوسف علی) در موضوع عوامل انسجامی و بر طبق الگوی هالیدی و حسن وجود دارد؟

۵. روش پژوهش

در این تحقیق، محقق عوامل انسجامی را از متن اصلی (قرآن) شناسایی و طبقه‌بندی، و این وضعیت را در متن مقصد (ترجمه) بررسی می‌کند تا به یک ترجمه مناسب و نزدیکتر به متن اصلی (قرآن) دست یابد. در واقع، محقق مشکلات را می‌یابد و برای شناسایی عوامل انسجامی در دو متن مبدأ و مقصد (عربی و انگلیسی) تلاش می‌نماید و با مقایسه، هر یک از این مشکلات را ارزیابی و تا حد امکان برطرف می‌نماید و محقق نیز این کار را بر اساس الگوی هالیدی و حسن (۱۹۷۶م.) انجام می‌دهد. اگر محقق درباره تحلیل گفتمان (انسجام، پیوستگی و وحدت معنایی کل متن) بررسی لازم را انجام دهد و این موضوع را در بحث ترجمه قرآن به زبان انگلیسی تجزیه و تحلیل نماید و در واقع، در دو زبان مقصد و مبدأ، عوامل انسجامی را شناسایی، مقایسه و بررسی کند، آنگاه می‌توان امیدوار به دستیابی به یک ترجمه مناسب‌تر و با کیفیت بالاتری بود و در واقع، تا حد امکان می‌توان به متن اصلی قرآن و انسجام، فصاحت و بلاغت آن نزدیک شد. محقق با عنایت به زیبایی قصص قرآن، سوره یوسف را انتخاب کرده است؛ زیرا این سوره، با وجود اینکه یکی از زیباترین و تأثیرگذارترین سوره‌های قرآن است، تنها سوره‌ای است که داستان یک پیامبر (حضرت یوسف) در آن به طور کامل بیان شده است، ولی بقیه قصص و داستان‌ها مربوط به بقیه پیامبران از جمله موسی، عیسی، ابراهیم، نوح و... در سوره‌های مختلف قرآن اشاره و بیان شده است. ضمناً این سوره از چنان انسجام و درهم تنیدگی برخوردار است که کمتر سوره‌ای این گونه در قرآن یافت می‌گردد و شیوه بیان داستان به معنای واقعی کلمه، این سوره و داستان مربوط آن را از یکی از منحصر به فردترین سوره‌ها و قصص قرآن ساخته است و از این سوره نیز آیاتی را که مربوط به تقوا، ایمان و پاکی

حضرت یوسف می‌باشد (آیات ۲۱-۳۵) انتخاب گردیده تا هم جنبه معنوی و تربیتی داشته باشد و هم اینکه همیشه انسان در همین مرحله است که ایمان واقعی وی سنجیده می‌شود و همیشه این موضوعات مورد توجه انسان‌ها، به‌ویژه قشر جوان بوده‌است. ضمن اینکه ترجمه‌های سه مترجم نامبرده که در این مطالعه بررسی می‌شود، تنها در چند مورد از موارد عوامل انسجامی (ارجاع و تضاد) مقایسه و بررسی می‌شود تا مشخص گردد که در این زمینه‌ها چگونه می‌توان به یک ترجمه کیفی‌تر و نزدیک‌تر به متن قرآن دست یافت و در واقع، عوامل انسجامی را برقرار کرد و به قسمتی از فصاحت و بلاغت قرآن نزدیک شد که این پژوهش به روش تحقیق توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شده‌است.

۶. مبانی نظری

در پژوهش‌های مربوط به انسجام متن، پژوهشگران بیشتر نظریات هالییدی و حسن را به طور عام به عنوان الگوی کار قرار، و تحقیقاتی را انجام داده‌اند. با بررسی کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات، این نتیجه به دست آمد که تحلیل متون در پژوهش‌ها جز در موارد اندکی، عمدتاً بر اساس مبانی نظری هالییدی و حسن صورت گرفته‌است.

در ساخت یک متن عواملی به کار می‌رود که با عوامل ساخت جمله کاملاً تفاوت دارد و از آن به عنوان عوامل انسجام متن یاد می‌شود. انسجام یا پیوستگی جملات (Cohesion) محصول رابطه اجزای دو جمله با یکدیگر است. این ارتباط در سطح آوایی، معنایی و منطقی زبان شکل می‌گیرد. اگر اجزای جمله‌های نوشتاری یا گفتاری به هم مربوط باشند و یا به عبارت دیگر، منسجم باشند، آن نوشته یا گفته، یک متن (Text) را شکل می‌دهد. هالییدی و حسن روابط بین جمله‌ای متن را «انسجام متنی» نامیده‌اند و از نظر آن‌ها، «انسجام» یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به منزله متن از غیر متن جدا و مشخص می‌کند (Halliday, & Hasan, 1976: 4).

در بحث انسجام، نظریه پردازان زیادی مطالب و نظریات خود را ارائه داده‌اند، ولی هالییدی و حسن در کتاب خود با عنوان *انسجام در انگلیسی* که در سال ۱۹۷۶ منتشر شد، به تبیین و

توضیح نظریات خود در بحث انسجام پرداختند. هالیدی و حسن عوامل انسجام را به دو بخش، عوامل انسجام واژگانی و عوامل انسجام دستوری تقسیم‌بندی می‌نمایند. اما درباره عوامل انسجام، توضیح‌ها و تعریف‌های زیر برای آشنایی با موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۶. عوامل انسجام

۱-۱-۶. گفتمان کلام (Discourse analysis)

به بررسی و مطالعه روابط معنایی و شکلی (و ظاهری) می‌پردازد که میان جملات برقرار است و شامل سه بخش انسجام (گرامر)، پیوستگی (معنی) و اتحاد (کل متن) می‌باشد. در واقع، گفتمان کلام در قلب زبان‌شناسی کاربردی قرار دارد که نیازهای کاربردهای واقعی زبان را منعکس می‌نماید و این در بافت‌های موقعیتی متفاوت می‌باشد.

۲-۱-۶. متن (Text)

متن عبارت است از تظاهر صوری، فرایند سخن و ساختار متنی؛ از جمله عناصر تشکیل‌دهنده متن که به انعکاس عوامل حاکم بر فرایند سخن مربوط باشد؛ به عبارت ساده‌تر، متن عبارت است از یک یا چند جمله مرتبط که معنا با پیام مشخص و معینی را انتقال می‌دهد. بدیهی است قرارگیری متوالی چند جمله کنار هم، تضمینی بر تشکیل یا آفرینش متن نمی‌کند. آنچه یک متن را انسجام می‌بخشد، وجود رابطه منطقی/معنایی بین جملات است. در صورت وجود چنین رابطه‌ای، به آن «مجموعه جملات (متن)» گفته می‌شود.

۳-۱-۶. بافتار (Texture)

ساختار متن و روابط حاکم بر جملات یک متن را بررسی می‌کند.

۶-۱-۴. انسجام (Cohesion)

به سازوکار درون‌متنی زبان گفته می‌شود که سخنور را در ایجاد و برقراری ارتباط در هر جمله یا بین جملات یاری می‌دهد؛ به عبارت ساده‌تر، انسجام به روابط ساختاری/واژگانی متن اطلاق می‌شود. این نوع ارتباط ممکن است بین جملات یا اجزای متفاوت یک جمله برقرار شود. انسجام، کلیه روابطی را شامل می‌شود که در آن عنصری از یک جمله یا عناصر جملات ماقبل/ مابعد در تعامل و ارتباط باشد؛ به عبارتی جامع‌تر و دقیق‌تر، انسجام به روابط درون‌متنی و برون‌متنی حاکم بر جملات یک متن گفته می‌شود. توجه داشته باشیم که تغییر در انسجام قطعاً به تغییر در بافتار منجر می‌شود. بنابراین، مترجم در برگردان متن و انعکاس روابط درونی و برونی، ضمن در نظر گرفتن این مهم، باید به گونه‌ای عمل کند که در بافتار زبان مبدأ و مقصد تغییر یا احیاناً خللی وارد نشود. به‌علاوه، تعامل و تأثیرگذاری/ تأثیرپذیری متقابل ساختاری واژگان و دیگر عوامل حاکم بر فرایند سخن، برای اجرای نقش ارتباطی باید در کلیه مراحل ترجمه مورد توجه قرار گیرد.

۶-۱-۵. عناصر انسجام (Cohesive device)

چنان‌که در بخش انسجام اشاره شد، عوامل انسجامی نیز در واقع، همان تعریف‌هایی هستند که همان روابط واژگانی و گرامری در درون یک متن می‌باشند و برای اتصال ایده‌ها به یکدیگر به کار برده می‌شوند که در ساخت یک متن، عواملی به کار می‌رود که با عوامل ساخت جمله کاملاً متفاوت می‌باشد و از آن به عنوان «عوامل انسجامی متن» یاد می‌شود. انسجام و پیوستگی جملات محصول رابطه اجزای جمله با یکدیگر است. این ارتباط در سطح آوایی، معنایی و منطقی زبان شکل می‌گیرد. اگر اجزای جمله‌های نوشتاری یا گفتاری به هم مربوط باشند، یا به عبارت دیگر، منسجم باشند، آن نوشته یا گفته یک متن را شکل می‌دهد. هالیدی و حسن روابط بین جمله‌ای متن را «انسجام متنی» نامیده‌اند. از نظر آن‌ها، «انسجام» یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به منزله متن از غیر متن جدا و مشخص می‌کند که این عناصر انسجام به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

الف) انسجام واژگانی یا لغوی (Lexical cohesion)

ب) انسجام دستوری یا ساختاری (Grammatical/ Structural cohesion)

ج) ارتباط مضمونی (معنایی - منطقی) (Semantic/ Logical relations)

۶-۱-۶. انسجام واژگانی

یکی از راهبردهایی که ما را در درک و فهم واژگان و گروه واژه‌ها در زبان یاری می‌دهد، انسجام واژگانی است. به طور خاص، ما از آگاهی خود برای برقراری ارتباط بین واژه‌ها استفاده می‌کنیم. به این نوع آگاهی در ایجاد ارتباط، «انسجام واژگانی» گفته می‌شود که این نوع انسجام شامل موارد زیر است: ۱- تکرار عین واژه. ۲- استفاده از واژگان مترادف. ۳- استفاده از واژگان متضاد. ۴- چتر واژه یا شمول معنایی. ۵- حذف به قرینه. ۶- مجموعه واژگان متشکل و پیوسته. ۷- کلّ جزء. ۸- واژگان خاص از عام. ۹- هم‌آیی یا ارتباط بین واژگان.

به طور کلی، نقش اصلی انسجام واژگانی، پیوند میان عناصر درون‌زبانی است، به گونه‌ای که شنونده یا خواننده خلأئی در متن احساس نکند و موضوعات را پیوسته و مرتبط بداند. در چنین وضعیتی، انگیزه خواننده به خوانش و ادامه متن تقویت می‌شود.

۶-۲-۶. معرفی عناصر واژگانی

۶-۲-۱. تکرار عین واژه (Direct repetition)

تکرار واژه برای اهداف گوناگونی استفاده می‌شود. یکی از آن‌ها، برقراری ارتباط و انسجام درون‌متنی است که واژه، گروه واژه یا جمله‌واره‌ای در چند جای متن تکرار می‌شوند.

۶-۲-۲. مترادف یا واژگان تقریباً هم‌معنا (Synonym/ Near-synonym)

از مترادف یا واژگانی که شباهت‌های معنایی را انتقال می‌دهند، در قرآن کریم به صورت گسترده وجود دارد. شایسته ذکر اینکه منظور از مترادف، جایگزینی نیست تا بخواهیم واژه یا

گروه واژه‌ای را جای واژه یا گروه واژه‌ای قرار دهیم، بلکه منظور، کلمات هم‌معنا هستند که به هدف تنوع‌بخشی و برقراری ارتباط میان واحدهای زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳-۲-۶. تضاد (Antonym)

تضاد سازوکار انسجام درون‌متنی است کاربرد تضاد در قرآن بسیار زیاد است.

۴-۲-۶. حذف به قرینه (Ellipsis)

از راهکارهای برانگیختن تفکر و اندیشیدن، حذف به قرینه است. هدف از حذف، انتقال والاترین و رساترین معانی با استفاده از کمترین واژگان است. بدیهی است حذف به شرط وجود قرینه صورت می‌پذیرد؛ چراکه حذف بدون قرینه، آشفتگی کلام را سبب می‌شود.

۵-۲-۶. مجموعه واژگان متشکل (Ordered series)

از راهبردهای انسجام، استفاده از مجموعه واژگان متشکل با هدف برقراری ارتباط است. هدف این راهبرد، آفرینش نوعی انسجام درون‌متنی است که به مخاطب در ایجاد ارتباط و رسیدن به معنای والا یاری می‌رساند.

۶-۲-۶. چتر واژه / شمول معنایی (Super-ordination)

واژه‌هایی را شامل می‌شود که از نظر مفهوم و معنا، واژه یا واژه‌های دیگری را تحت‌الشعاع حوزه معنایی خود قرار می‌دهند؛ مانند واژه «میوه» که سیب، انار، پرتقال، گیلاس و... را در بر می‌گیرد. کاربرد این نوع انسجام واژگانی در قرآن کریم فراوان است.

۷-۲-۶. کل - جزء (Whole-Part)

منظور از کل- جزء، ذکر بخشی از یک واژه است در شرایطی که واژه اصلی توصیفی (ارتباطی) از آن واژه جزئی ارائه دهد.

۸-۲-۶. واژگان خاص پس از عام (Specific-general)

به واژگانی اطلاق می‌شود که در یک حوزه معنایی، ارتباط و تعامل خاص و عامی را با یکدیگر برقرار می‌کنند. در این حوزه، واژه خاص ضمن به کارگیری واژه عام و در پوشش معنایی آن در متن به کار گرفته می‌شود؛ به عنوان مثال، واژه خاص «نماز عصر» دربارهٔ واژه عام و فراگیر «نماز» معنا و مفهومی مرتبط پیدا می‌کند.

۹-۲-۶. انسجام دستوری یا ساختاری

مخاطب در ارتباط با متن، علاوه بر استفاده از راهبردهای انسجام واژگانی، دانش ساختارهای دستوری زبان خود را برای پُر کردن خلاءهای احتمالی متن به کار می‌بندد؛ همان دانشی که سخنور را در درک و تولید سازه‌های زبانی و مرتبط کردن آن سازه‌ها کمک می‌نماید. سازوکارهای انسجام دستوری / ساختاری عبارتند از: ارجاعات، جایگزینی، حذف به قرینه و ارتباط معنایی-منطقی میان سازه‌ها.

۳-۶. معرفی عناصر دستوری

۱-۳-۶. ارجاعات (References)

انسجام دستوری یا ساختاری دو دسته ارجاع را شامل می‌شود: ارجاع درون‌متنی و ارجاع برون‌متنی. ارجاع درون‌متنی خود مشتمل بر «پیشین‌سوی»، «پسین‌سوی»، ارجاع اشاره‌ای و ارجاع مقایسه‌ای» است.

الف) ارجاع پیشین‌سوی (Anaphoric reference)

اگر بازگشت ضمیر به واژه یا گروه‌واژه‌ای است که پیشتر ذکر شده‌است، پیشین‌سوی (ارجاع به ماقبل) نامیده می‌شود.

ب) ارجاع پسین‌سوی (Cataphoric reference)

در این گونه ارجاعات، مرجع (اسم) بعد از ضمیر یا ضمائر در متن آورده می‌شود (ابتدا ضمیر یا ضمائر و بعد اسم [مرجع])

(ج) ارجاع اشاره‌ای (Demonstrative reference)

به واژه یا گروه‌واژه یا جمله‌واره‌هایی که به مکان، شیء یا اشیای دور یا نزدیک اشاره داشته باشد، «ارجاع اشاره‌ای» گفته می‌شود.

(د) ارجاع مقایسه‌ای (Comparative reference)

در این نوع ارجاع، دو یا چند مورد با هم مقایسه می‌شوند تا بدین وسیله، ارتباط و انسجامی در متن ایجاد شود.

۲-۳-۶. جایگزینی (Substitution)

جایگزینی واژه‌ای به جای واژه، گروه‌واژه یا جمله‌واره دیگر از سازوکارهای برقراری انسجام درون‌متنی شمرده می‌شود. هدف از جایگزینی، علاوه بر اقتصاد کلامی، برقراری ارتباط بین عناصر یک یا چند جمله در یک متن است.

۳-۳-۶. حذف به قرینه (Ellipsis)

به استفاده نشدن هر بخش از کلام، به قرینه موجود در متن و به منظور رسیدن به هر یک از اهداف زیر گفته می‌شود. بدیهی است حذف به قیاس عنصر یا عناصر قرینه‌ای زیر صورت می‌پذیرد:

الف) پرهیز از زیاده‌گویی و به منظور اقتصاد کلامی. ب) انگیزش تفکر و کنجکاوی. ج) تفصیل پس از اجمال. د) بیان علت.

۶-۳-۴. ارتباط معنایی- منطقی میان سازه‌ها (Conjunction)

یکی از نقش‌های بنیادین نمادهای متنی به عنوان ابزار انسجام درون‌متنی، برقراری رابطه معنایی و منطقی بین سازه‌ای جمله و در مقیاس گسترده، بین جملات یک متن است. در واقع، برقراری روابط معنایی و منطقی میان پاره‌گفتارها و جملات را «نمادهای متنی» می‌گویند. قرآن کریم سرشار از این روابط متنی است. نمادهای متنی عبارتند از:

الف) ارتباط اضافی (Additive relation)

زمانی که جمله‌واره یا جمله توضیحی، تمثیلی یا مقایسه‌ای به جمله قبلی اطلاعاتی اضافه نماید، به چنین ارتباطی، «ارتباط اضافی» گفته می‌شود. کلمات ربطی که برای تأمین این هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از: «و، همچنین، به علاوه، مضافاً به اینکه، به همین نسبت، به جای» و... .

ب) ارتباط زمانی (Temporal relation)

برای بیان توالی زمانی بین رویدادهای دو یا چند جمله و برقراری رابطه معنایی استفاده می‌شود که نمادهای متنی آن عبارتند از: «نخست، سپس، بعد، قبل از آن، در این لحظه، سرانجام» و... .

ج) ارتباط سببی (Causative relation)

وقتی که رویداد (فعل) یک جمله ارتباط سببی با رویداد جمله دیگر داشته باشد، چنین ارتباطی ممکن است در برگیرنده علت، شرط، هدف یا نتیجه باشد که نمادهای متنی آن عبارتند از: «بنابراین، در این صورت، چنانچه، زیرا، به این منظور» و... .

د) ارتباط تباینی / تقابلی (Adversative relation)

وقتی محتوای یک جمله ناقض محتوای جمله‌واره یا جمله قبلی باشد یا اینکه عملی خلاف انتظار را بیان نماید، به چنین ارتباطی، «ارتباط تباینی» گویند. نمادهای متنی آن عبارتند از: «ولی، هر چند که، اگرچه، مع هذا، علی‌رغم» و... .

ه) ارجاعات بیرون‌متنی (Exophoric reference)

مخاطب برای درک مفاهیم بعضی از واژه‌های قرآن کریم، خود را نیازمند اطلاعاتی خارج از متن احساس می‌کند. در چنین شرایطی، مخاطب پاسخ نیاز را با استفاده از بافت زبانی و موقعیتی دریافت می‌کند.

و) گره (Tie)

به رابطه میان عوامل انسجامی و عناصری گویند که این عوامل با آن‌ها مرتبط هستند.

چنان‌که اشاره شد، محقق آیات ۲۱-۳۵ سوره یوسف را برای این تحقیق بررسی کرده‌است و عوامل انسجامی ارجاع و تضاد را طبق الگوی هالیدی و حسن، کتب تفاسیر معتبر و کتب مذهبی و تخصصی قرآن در دو متن مبدأ (قرآن) و مقصد بررسی نموده‌است و در هر آیه، ترجمه‌های سه مترجم (آربری، صفارزاده و یوسف علی) را بررسی و با یکدیگر مقایسه کرده‌است و در پایان هر آیه اشاره نموده که کدام مترجم عوامل انسجامی را رعایت نموده، در ترجمه خود مد نظر قرار داده‌است. در نتیجه، ترجمه روان، دقیق، فصیح و پذیرفتنی داشته‌است و در واقع، ترجمه وی به متن قرآن نزدیک‌تر بوده‌است.

در این راستا و برای اینکه در هر آیه، مترجم برتر مشخص شود و در پایان، پس از بررسی ۱۵ آیه قرآن مشخص گردد که کدام مترجم موفق‌تر بوده‌است و امتیاز بیشتری را کسب کرده، محقق جدول زیر را طراحی نموده تا به این هدف دست یابد:

امتیاز	توصیف	کیفیت ترجمه	ردیف
۴	مترجم عوامل انسجامی را در نظر گرفته‌است و ترجمه‌اش روان، فصیح و دقیق است.	عالی	۱
۳	مترجم عوامل انسجامی را در نظر گرفته‌است و ترجمه‌اش تقریباً روان، فصیح و دقیق است.	خوب	۲
۲	مترجم تقریباً عوامل انسجامی را در نظر گرفته‌است.	متوسط	۳
۱	مترجم عوامل انسجامی را در نظر نگرفته‌است و ترجمه‌اش روان، فصیح و دقیق نیست.	ضعیف	۴

جدول ۱: معیار ارزیابی کیفیت ترجمه و امتیازدهی بر اساس کیفیت

در این مقاله، با توجه به محدودیت فضای مقاله، تنها سه نمونه از آیات (۲۱، ۲۲ و ۲۳) از تحقیق انجام شده در ۱۵ آیه معنون ارائه شده است:

❖ ﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ و عزیز مصر که او را خریداری کرد، به زن خویش سفارش غلام را نمود که مقامش بسیار گرامی دار؛ که این غلام امید است به ما نفع بسیار بخشد یا او را به فرزندگی بگیریم، و ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم و برای آنکه او را از علم تعبیر خواب‌ها بیاموزیم، و خدا بر کار خود غالب است، ولی بسیاری از مردم (بر این حقیقت) آگاه نیستند ﴿یوسف / ۲۱﴾.

Arberry: He that bought him, being (king) of Egypt, said to his wife, give him goodly lodging, and it may be that he will profit us, or we may take him for our own son. So we established Joseph in the land, and that we might teach him the interpretation of tales God prevails in His purpose, but most men know not.

Saffarzadeh: And the Egyptian man who bought Yusuf said to his wife: («Receive him honourably and give him a good lodging and may be that he will profit us or we May adopt him as a son»). Thus, we established Yusuf in the land that we might teach him the interpretation of Dreams: Allah fulfills His Commands and ordainments but most of mankind does not know.

Yusuf Ali: The man who bought him in Egypt said to his wife, («Make his stay among us honorable may be he will bring us much good or we shall adopt him as a son. Thus, did we establish Joseph in the land that we might teach him the interpretation of dreams and other things? And Allah has full power and control over his affairs, but most among mankind know it not.

در این آیه، ارجاعات اشاره‌ای (Demonstrative reference)، پیشین‌سوی (Anaphoric

reference) دیده می‌شود. بنابراین، ابتدا ارجاع اشاره‌ای (Demonstrative reference) بررسی می‌شود.

در این آیه، کلمه «الَّذِي» در جمله ﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ﴾ اشاره به عزیز مصر دارد. ارجاعات اشاره‌ای (Demonstrative reference) به واژه، گروه‌واژه یا جمله‌واره‌هایی

گویند که به مکان، شیء یا اشیاء و موارد دور یا نزدیک اشاره داشته باشد که در این آیه، «الذی» به عزیز مصر اشاره دارد.

اکنون به ترجمه‌های سه مترجم قرآن دقت می‌کنیم که بینیم هر یک چگونه از این عامل انسجامی بهره برده‌اند و در واقع، کدام ترجمه به متن اصلی و مبدأ (قرآن) نزدیک‌تر است. آبروی اینگونه ترجمه کرده‌است:

He that bought him, being (king) of Egypt, said to his wife.

یعنی پس از اولین کلمات این آیه شریفه که ترجمه نموده (He that bought him) بلافاصله بین دو ویرگول being (king) of Egypt به عزیز مصر که در آیه فوق به کلمه «الذی» برمی‌گردد، اشاره نموده‌است و در واقع، این عامل انسجامی (ارجاع اشاره‌ای) را رعایت نموده‌است.

اما خانم صفارزاده به طور مستقیم در ابتدای ترجمه خود اینگونه نوشته‌است:

And the Egyptian man who bought Yusuf said to his wife.

اولاً باید گفت معمولاً مترجمان در ترجمه خود، ارجاعات اشاره‌ای را در داخل پرانتز یا ویرگول قرار می‌دهند یا به هر نحوی از متن اصلی ترجمه جدا می‌کنند، اما در اینجا خانم صفارزاده این کار را انجام نداده‌است و به طور مستقیم کلمات (And the Egyptian man) را در ابتدای ترجمه این آیه قرار داده‌است. ضمناً از ترجمه این کلمات به طور دقیق این برداشت نمی‌شود که این ترجمه ارجاع به کلمه «الذی» شود و به عزیز مصر اشاره شده باشد؛ زیرا ترجمه این قسمت اشاره به مرد مصری دارد و در واقع، کمی کلی ترجمه شده‌است و این شبهه ایجاد می‌گردد، کدام مرد مصری مد نظر است که یوسف را خریده است؟

اما یوسف علی نیز در ابتدای ترجمه خود، همانند خانم صفارزاده چنین ترجمه کرده‌است:

The man who bought him in Egypt said to his wife.

چنان که ملاحظه می‌شود، یوسف علی نیز ارجاع اشاره‌ای را به خوبی انجام نداده‌است و به طور مستقیم در ترجمه خود بیان کرده‌است و با پرانتز یا ویرگول یا به گونه دیگری کلمه (The

(man) را جداسازی نموده‌است. ضمناً یوسف علی حتی به صورت کلی تری ترجمه نموده‌است و مجدداً این شبهه ایجاد می‌گردد که منظور از (The man) چیست؟ یعنی دقیقاً به عزیز مصر اشاره نمی‌شود و حق کلمه «الذی» ادا نمی‌شود. در واقع، این پرسش در ذهن خواننده ترجمه قرآن ایجاد می‌گردد که کدام مرد یوسف را خریده‌است؟ حتی این ابهام در ترجمه مذکور هست که منظور از «in Egypt» در ترجمه یوسف علی چیست؟

The man who bought him in Egypt said to his wife.

چنان که ملاحظه می‌شود، این ابهام ایجاد می‌گردد که «in Egypt» به کلمه «The man» اشاره دارد یا منظور، مکان خرید حضرت یوسف است؟ در واقع، خواننده سردرگم می‌شود و با ابهامات فوق روبه‌رو می‌شود.

اما در این بخش، ارجاع پیشین سوی (Anaphoric) را در این آیه بررسی می‌کنیم:

چنان که قبلاً اشاره شد، در ارجاعات پسین سوی، مرجع (اسم) بعد از ضمیر یا ضمائر در متن آورده می‌شود (ابتدا ضمیر یا ضمائر و بعد اسم [مرجع]) و در ارجاعات پیشین سوی به بازگشت ضمیر به واژه یا گروه واژه‌ای که پیشتر ذکر آن رفته گویند که در واقع، پیشین سوی (ارجاع به ماقبل) گفته می‌شود. کاربرد این گونه سازوکارهای انسجام دستوری در قرآن کریم بسیار است.

در این آیه، ضمیر «ه» در کلمات «اشترأه»، «مئواه» و «نتخذه» همگی اشاره به حضرت یوسف^(ع) دارند که در واقع، عامل انسجامی پیشین سوی است. به نظر می‌رسد مرجع ضمیر «ه» در کلمات «اشترأه»، «مئواه» و «نتخذه» کلمه «غلام» (یوسف) در آیات ۱۷ یا ۱۹ سوره حضرت یوسف می‌باشد؛ زیرا در بسیاری از تفاسیر معتبر قرآن و کتب دینی معتبر، از جمله تفسیر المیزان علامه طباطبائی و الجدول فی اعراب القرآن به این مطلب اشاره شده‌است و می‌توان به آن‌ها رجوع کرد.

❖ ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ گفتند: ای پدر! قصه این است که ما به صحرا رفته و سرگرم مسابقه بودیم و

یوسف را بر سرِ متاع خود گذاشتیم و او را گرگِ طعمه خود ساخت، و هرچند ما راست بگوئیم تو باز از ما باور نخواهی کرد ﴿یوسف / ۱۷﴾.

❖ ﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾: باری کاروانی آنجا رسید و سقای قافله را برای آب فرستادند، دلو را به چاه فرستاد (همین که از آن چاه برآورد)، گفت: به به از این بشارت و خوشبختی که رخ داده است. این پسری است (که نصیب ما شده است)، و او را پنهان داشتند که سرمایه تجارت کنند و خدا به آنچه می کردند، آگاه بود ﴿یوسف / ۱۹﴾.

اکنون به ترجمه‌های سه مترجم قرآن دقت می‌کنیم که بینیم هر یک چگونه از این عوامل انسجامی بهره برده‌اند و در واقع، کدام ترجمه به متن اصلی و مبدأ (قرآن) نزدیک‌تر است.

آربروی دقیقاً در باب ارجاع پیشین‌سوی (Anaphoric reference) به‌خوبی عمل کرده‌است؛ زیرا ضمیر «him» در ابتدای ترجمه این آیه در عبارت (He that bought him) را به کار برده‌است. سپس «him» را در عبارت (Give him goodly lodging) به کار برده‌است و آنگاه از ضمیر «him» در عبارت (we may take him) استفاده کرده‌است. در پایان نیز از ضمیر «him» در عبارت (and that We might teach him) استفاده کرده‌است.

با یک بررسی دقیق درمی‌یابیم که صفارزاده و یوسف علی نیز مانند آربری عامل انسجامی ارجاع پیشین‌سوی را رعایت کرده‌اند، اما صفارزاده اگر همانند متن مبدأ (قرآن) در ابتدای ترجمه خود از کلمه «Yusuf» در عبارت «bought Yusuf» استفاده نمی‌کرد و در آنجا نیز از ضمیر استفاده می‌نمود، ترجمه پذیرفتنی‌تر و نزدیک‌تری به متن قرآن داشت.

ردیف	عامل انسجامی	آربری	صفارزاده	یوسف علی	نتیجه
۱	ارجاع اشاره‌ای	عالی	متوسط	ضعیف	ترجمه آربری دقیق‌تر، روان‌تر و فصیح‌تر است.
۲	ارجاع پیشین سوی	عالی	خوب	عالی	هر سه ترجمه روان و فصیح است، لیکن یوسف علی و آربری این عامل انسجامی را نسبت به صفارزاده بهتر رعایت کرده‌اند.

جدول ۲: ارزیابی کیفیت ترجمه‌های سه مترجم مربوط به آیه ۲۱ سوره یوسف

ردیف	عامل انسجامی	امتیاز آربری	امتیاز صفارزاده	امتیاز یوسف علی	امتیاز مترجم در هر عامل انسجامی
۱	ارجاع اشاره‌ای	۴	۲	۱	۷
۲	ارجاع پیشین سوی	۴	۳	۴	۱۱
امتیاز مجموع	-	۸	۵	۵	۱۸

جدول ۳: امتیاز مترجمان بر اساس کیفیت ترجمه (سطح رعایت عامل انسجامی در ترجمه) در آیه ۲۱ سوره یوسف

❖ ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ و چون یوسف به سن رشد و کمال رسید، او را مقام حکمت و نبوت (یا مسند حکم‌فرمایی) و مقام دانش عطا کردیم، و اینچنین ما نکوکاران عالم را پاداش می‌بخشیم ﴿(یوسف / ۲۲).

Arberry: And when he was fully grown, we gave him judgment and knowledge Even so we recompense the good-doers.

Saffarzadeh: And when Yusuf attained his age of maturity, we bestowed him Divine wisdom and knowledge; and thus, we recompense the good-doers.

Yusuf Ali: When Joseph attained his full manhood we gave him power and knowledge, thus we do reward those who do right.

اگر آیات قبل را که داستان حضرت یوسف^(ع) را اشاره می‌کند و نام یوسف را به عنوان محور داستان بیان می‌کند، معیار بگیریم، چون کلمه «یوسف» اسم است و در واقع، اسم اول آمده، در آیات بعدی هر ضمیری که ارجاع به این اسم (یوسف) داشته باشد، ارجاع پیشین سوی دارد و در واقع، در آن آیات (متن مبدأ)، از عامل انسجام دستوری ارجاع پیشین سوی بهره برده شده است.

اکنون به ترجمه‌های سه مترجم قرآن دقت می‌کنیم که بینیم هر یک چگونه از این عامل انسجامی بهره برده‌اند و در واقع، کدام ترجمه به متن اصلی و مبدأ (قرآن) نزدیک‌تر است. آربری از ضمائر «he» و «him» استفاده کرده است.

صفارزاده در ابتدای ترجمه این آیه از کلمه «Yusuf» بهره برده، سپس از ضمائر «his» و «him» استفاده کرده است.

یوسف علی در ابتدای ترجمه این آیه از کلمه «Joseph» بهره برده است و آنگاه از ضمائر «his» و «him» استفاده می‌کند.

از لحاظ همخوانی با متن عربی و اینکه کلاً در متن مبدأ (قرآن) از نام «یوسف» به عنوان اسم استفاده نشده است و از ضمیر «ه» در کلمات «أشده» و «آتیناه» به عنوان ارجاع پیشین سوی استفاده شده است، بنابراین، ترجمه آربری از لحاظ رعایت این قاعده (عامل انسجامی دستوری ارجاع پیشین سوی) و نزدیک‌تر بودن به متن مبدأ (قرآن) دقیق‌تر و موفق‌تر می‌باشد. اما صفارزاده و یوسف علی در ابتدای ترجمه از نام «Yusuf» و «Joseph» استفاده کرده‌اند و مجدداً از ضمائر بعد از اسم بهره برده‌اند و مانند آربری رعایت ارجاع پیشین سوی را نکرده‌اند و به خوبی او ترجمه نکرده‌اند.

نتیجه	یوسف علی	صفارزاده	آربری	عامل انسجامی	ردیف
ترجمه آربری دقیق‌تر، روان‌تر و فصیح‌تر است و ترجمه وی از یوسف علی و صفارزاده قابل قبول‌تر است.	متوسط	متوسط	عالی	ارجاع پیشین سوی	۱

جدول ۴: ارزیابی کیفیت ترجمه‌های سه مترجم مربوط به آیه ۲۲ سوره یوسف

امتیاز مترجم در هر عامل انسجامی	امتیاز یوسف علی	امتیاز صفارزاده	امتیاز آربری	عامل انسجامی	ردیف
۸	۲	۲	۴	ارجاع پیشین سوی	۱
۸	۲	۲	۴		امتیاز مجموع

جدول ۵: امتیاز مترجمان بر اساس کیفیت ترجمه (سطح رعایت عامل انسجامی در ترجمه) در آیه

۲۲ سوره یوسف

❖ ﴿وَرَأَوْدُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ و بانوی خانه به میل نفس خود با او بنای مراوده گذاشت و (روزی) درها را بست و یوسف را به خود دعوت کرد و اشاره کرد که من برای تو آماده‌ام! یوسف جواب داد: به خدا پناه می‌برم! او خدای من است، مرا مقامی منزّه و نیکو عطا کرده است (چگونه خود را به ستم و عصیان آلوده کنم)، که هرگز ستمکاران رستگار نمی‌گردند ﴿(یوسف/ ۲۳).

Arberry: Now the woman in whose house he was solicited him, and closed the doors on them come, she said, take me! God be my refuge, he said surely my lord has given me a goodly lodging surely the evildoers do not prosper.

Saffarzadeh: Now the woman in whose house, Yusuf Stayed tried to seduce him, so she closed the doors and said: (Come here O, you!) Yusuf said: I seek refuge in Allah! He is my creator & nurturer, and has bestowed upon me a high position. Surely, the evildoers do not attain salvation".

Yusuf Ali: But she, in whose house he was, sought to seduce him from his true self, she fastened the doors and said, "Now come you dear one!" He said, «Allah forbid! Truly your husband is my lord! He made my sojourn agreeable! Truly to no good come those who do wrong!"

اگر دقیق به این آیه بنگریم و آیات قبل را نیز در نظر داشته باشیم و در واقع، سیر داستان را دنبال کنیم، خواهیم فهمید که ضمیر «ه» در کلمه «رَاوَدْتُهُ» و «هُوَ» در ﴿هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ﴾ اشاره به یوسف دارند و فعل «رَاوَدْتُهُ» و ضمیر «ها» در کلمه «بَيْتِهَا» اشاره به بانوی خانه (زلیخا و در واقع، زن عزیز مصر) دارد. شایسته توجه اینکه بیشتر افعال و ضمائر در این آیه اشاره به یوسف و زلیخا دارند که مشخص است از ارجاع پیشین سوی استفاده شده است.

همچنین، در بخش دوم این آیه نیز از ارجاع پیشین سوی استفاده شده است، ولی در اینجا طبق تفاسیر و کتب معتبر دینی و قرآنی، از جمله تفسیر المیزان، تفسیر کشاف، تفسیر انوار التنزیل و أسرار التأویل بیضاوی، الجدول فی اعراب القرآن، اعراب القرآن و بیانہ درویش و مجموعه نرم افزاری جامع التفاسیر (بخش اعراب) دو قول وجود دارد. قول اول اینکه ضمیر «ه» در «إِنَّهُ رَبِّي» به «الله» در عبارت ﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ﴾ اشاره دارد و در واقع، این همان ارجاع پیشین سوی (Anaphoric reference) است. اما قول دوم اینکه ضمیر «ه» در کلمه «إِنَّهُ» ضمیر شأن می باشد. اگر این قول را بپذیریم، ضمیر «ه» به جمله بعد (رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوًى) برمی گردد که این قول نیز به دو قول و روایت اشاره می نماید. اولین قول که بسیار ضعیف است و علامه طباطبائی آن را رد نموده، این است که کلمه «رب» به معنای «شوهر زلیخا» می باشد (= عزیز مصر). اما قول دوم که صحیح است و از سوی بسیاری از تفاسیر معتبر و بزرگ مانند المیزان پذیرفته شده، بیان می دارد که «رب» به معنای «الله» و خداوندگار جهانیان می باشد. شایسته توجه اینکه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۹۹۷م، ج ۱۱: ۱۲۶-۱۳۰) در

این باب به تفصیل توضیحاتی ارائه داده است. ایشان دو دلیل محکم در ردّ قول اول که ضعیف بود، ارائه می‌نمایند و می‌فرمایند به دو دلیل این قول که کلمه «رب» به معنای «شوهر زلیخا» (= عزیز مصر) می‌باشد، پذیرفتنی نیست و رد می‌شود که عبارتند از:

الف) اگر معنی کلمه «رب» (Rabb)، «شوهر زلیخا» (عزیز مصر = Zoleykha's husband) می‌بود، باید در انتهای آیه ۲۳، از کلمه «خائون» به جای «ظالمون» در عبارت ﴿إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ استفاده می‌شد؛ زیرا بحث خیانت در روابط بین انسان‌ها معنا پیدا می‌کند و این در صورتی بود که بحث خیانت حضرت یوسف^(ع) به عزیز مصر (= شوهر زلیخا) مطرح می‌شد. اما در اینجا چون بحث در این است که حضرت یوسف می‌فرماید: «به خدا پناه می‌برم، او مرا مقامی منزّه و نیکو عطا کرده است. چگونه خود را به ستم و عصیان آلوده کنم». اینجاست که موضوع ظلم انسان بر نفس خود با آلوده شدن به گناه مطرح می‌شود و در نتیجه، آیه با عبارت ﴿إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ پایان می‌پذیرد؛ یعنی «هرگز ستمکاران رستگار نمی‌گردند».

ب) در هیچ جای این سوره، کلمه «ربی» نداریم که مرجع آن به «عزیز مصر» برگردد. شاید در چند مورد کلمات «ربک» و «ربکما» باشند که مرجع آن‌ها به «عزیز مصر» (= شوهر زلیخا) برگردد، لیکن کلمه «ربی» جز این مورد، در جای دیگری از سوره یوسف یافت نمی‌شود.

در نتیجه، در ترجمه این بخش از آیه، مترجم باید از کلمه (Lord = Master = Creator) که به معنای خداوند (God) است، استفاده نماید. شایسته توجه اینکه اگر این کلمات با حرف بزرگ آغاز شوند، [sing] Lord به معنای خداوند (God)، و اگر با حرف کوچک آغاز شوند (lord)، به معنای «مری، پادشاه، آقا و سرور» (master, ruler) هستند و این موضوع در تمام کتاب‌های فرهنگ لغت انگلیسی اشاره شده است و درباره کلمه «رب» و معانی آن در قاموس قرآن و دانشنامه بهاءالدین خرمشاهی به تفصیل بیان شده است. در قاموس قرآن نیز آمده است:

«آنجا که اشاره می‌نماید که (راغب می‌گوید) رب در اصل به معنی تربیت است...

و بر فاعل به طور استعاره گفته می‌شود و رب به طور اطلاق فقط بر خداوند اطلاق

می‌گردد که متکفل اصلاح موجودات است و نیز اشاره شده است که طبری - رحمه الله - در تفسیر سوره حمد چند معنی از جمله: رئیس، مطاع، مالک، صاحب (رفیق)، مربی و مصلح برای رب نقل کرده است و گوید: آن از تربیت مشتق است و این کلمه به طور اطلاق جز به خدا گفته نمی‌شود و در غیر خدا مقید می‌آید نحو: ربّ الدار، ربّ الضیعه؛ و رب به معنی مربی از اسماء حسنی است و مقام ربوبیت خداوند را روشن می‌کند» (قرشی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۲-۴۴).

ضمناً در *دانشنامه قرآن* اثر بهاء‌الدین خرمشاهی نیز اشاره به این مطلب شده که این واژه از اسمای خداوند است و به معنی «پروردگار» می‌باشد که ۹۷۰ بار در قرآن کریم آمده است (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۹۴).

از نتیجه این نکات ارزشمند و اینکه در اینجا از ارجاع پیشین سوی استفاده شده است و با در نظر گرفتن قول اول و دوم که توضیح داده شد، مشخص می‌شود که معنای کلمه «رب» در این آیه، خداوند (الله)، و ارجاع ضمیر «ه» در عبارت «إِنَّهُ رَبِّي» کلمه «الله» در «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ» است. اینجاست که اهمیت توجه مترجمان به عوامل انسجامی در ترجمه قرآن مشخص می‌شود؛ زیرا اگر مترجمان به این نکته در ترجمه خود دقت نمایند، متوجه می‌شوند که منظور از «إِنَّهُ رَبِّي»، همان «اللَّهُ» در «مَعَاذَ اللَّهِ» است و از کلمات (Lord = Master = Creator) که با حرف بزرگ آغاز می‌شوند، در ترجمه خود استفاده کرده‌اند. جالب اینجاست که با بررسی انجام شده در *دایرة المعارف انگلیسی قرآن* اثر خانم مک اولیف (ر.ک؛ اولیف، ۲۰۰۳، ج ۳: ۲۲۹-۲۳۱) در باب کلمه Lord توضیحات خوبی داده شده است. ایشان توضیح داده‌اند که عموماً این کلمه درباره God به کار می‌رود، اما گاهی به یک Human master تخصیص داده می‌شود. خانم مک اولیف نیز در *دایرة المعارف* خود که اکنون مرجع علمی بسیاری از دستداران، محققان و پژوهشگران علوم قرآنی، دینی و اسلامی است، به خوبی به تشریح و توضیح کلمه Lord و Rabb پرداخته است و مثال‌های خوبی در همین سوره یوسف آورده که آیات ۴۱ و ۴۲ را مثال می‌زند که در آنجا معنی کلمه «رب: Rabb» به معنی «ارباب» می‌باشد که مترجمان مختلف در آنجا یا از کلمه «Master» استفاده کرده‌اند یا از کلمه «lord» که با حرف کوچک «آل»

انگلیسی آغاز می‌شود. به عنوان نمونه، حتی در آیه ۵۰ سوره یوسف، دو بار از کلمه «رب» در آیه استفاده شده که اولی در «قَالَ ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ» به معنای «ارباب»، و دومی در «إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ» به معنای «الله» و خداوند عالمیان است که این مسئله از نکات مهم در ترجمه می‌باشد که مترجمان باید به آن دقت لازم و کافی را داشته باشند. اما جالب اینجاست که خانم مک اولیف در کنار این مثال‌ها که بجا و خوب هستند و خوب هم توضیح و تبیین شده، همین آیه ۲۳ را به عنوان مثال آورده‌است و از کلمه «رب» در «إِنَّهُ رَبِّي» به عنوان نمونه‌ای از human master یاد کرده‌است و به خوبی متوجه این موضوع نشده که ارجاع این «رب» به «الله» و پروردگار جهانیان است، نه به «شوهر زلیخا» (Potiphar) که این مسئله جای تأمل دارد.

اکنون به ترجمه‌های سه مترجم قرآن دقت می‌کنیم که بینیم هر یک چگونه از این عامل انسجامی بهره برده‌اند و در واقع، کدام ترجمه به متن اصلی و مبدأ (قرآن) نزدیک‌تر است.

آربری در ابتدای ترجمه خود از کلمه (the woman) استفاده کرده‌است و آنگاه از ضمائر He و She, him بهره برده‌است؛ یعنی به درستی ارجاع پیشین سوی را رعایت نکرده‌است و باید همانند متن مبدأ (قرآن) در ابتدای ترجمه از ضمیر استفاده می‌نمود. ضمناً حتی اگر این برداشت صورت پذیرد که اینجا قرآن از ارجاع اشاره‌ای استفاده کرده‌است (ارجاع فاعل «رَاوَدْتُهُ» و ضمیر «ها» در کلمه «بَيْتَهَا» به بانوی خانه، یعنی زلیخا و در واقع، زن عزیز مصر)، مجدداً در بررسی ترجمه آربری نیز اعمال کردن این عامل انسجامی مشاهده نمی‌شود؛ چرا که باید ضمیر She را در ابتدا می‌آورد و آنگاه در داخل پرانتز یا به گونه‌ای دیگر، جدا از متن ترجمه، به «زلیخا» اشاره می‌کرد که این کار نیز انجام نشده‌است.

همچنین، در باب بخش دوم و ارجاع پیشین سوی در کلمه «إِنَّهُ» که به «اللَّهِ» در «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ» برمی‌گردد، ابتدا آربری کلمه «God» در «God be my refuge» را آورده، لیکن به جای استفاده از ضمیر بعد از آن، چنین ترجمه کرده‌است:

He said surely my lord has given me a goodly lodging.

در واقع، عامل انسجامی ارجاع پیشین سوی را رعایت نکرده‌است؛ زیرا اگر آربری به این نکته در ترجمه خود دقت می‌کرد و به ارجاع پیشین سوی در این قسمت از آیه قرآن دقت

می نمود، متوجه می شد که منظور از «إِنَّهُ رَبِّي»، همان «اللَّهُ» در «مَعَاذَ اللَّهِ» است و کلمه Lord را در ترجمه خود قرار می داد.

صفارزاده نیز در ابتدای ترجمه آیه، مانند آربری از کلمه «the woman» استفاده کرده است و آنگاه در ۲ مرحله از کلمه «Yusuf» بهره برده است و ضمائر She و Him را در ترجمه آورده است؛ یعنی او نیز به درستی از عامل انسجامی پیشین سوی استفاده نکرده است. ضمناً چنان که اشاره شد، حتی اگر این برداشت صورت پذیرد که اینجا قرآن از ارجاع اشاره ای استفاده کرده (ارجاع فاعل «راوَدْتُهُ» و ضمیر «ها» در کلمه «بَيْتِهَا» به بانوی خانه، یعنی زلیخا و در واقع، زن عزیز مصر)، صفارزاده نیز همانند آربری این ارجاع را رعایت نکرده است.

اما در بخش دوم آیه، صفارزاده به خوبی عمل کرده است و ارجاع پیشین سوی را به خوبی به کار برده است؛ زیرا برای اشاره به کلمه «رب»، از اصطلاح و اسم Creator & Nurturer بهره برده است که این اسامی وقتی با حروف بزرگ شروع می شوند، به «الله» اشاره دارند. صفارزاده این مطلب را به خوبی دریافته است و با کیاست از این ارجاع (پیشین سوی) استفاده کرده است و در ترجمه قسمت دوم این آیه، همچون آربری و یوسف علی اشتباه نکرده است.

یوسف علی همانند متن مبدأ (قرآن)، در ترجمه بخش اول و آغاز آیه و رعایت ارجاع پیشین سوی موفق است و به خوبی از ضمائر مربوطه (She-Him-He) استفاده کرده است. حتی چنان که اشاره شد، اگر در این بخش از آیه، به جای ارجاع پیشین سوی گفته شود که ارجاع اشاره ای مد نظر بوده، یوسف علی باز موفق عمل کرده است و این ارجاع را در نظر گرفته است؛ زیرا بلافاصله بعد از (She) در داخل دو ویرگول، به عبارت (in whose house he was) اشاره کرده است. اما در بخش دوم آیه و رعایت ارجاع مربوط (پیشین سوی)، همانند آربری موفق عمل نکرده است. یوسف علی در ترجمه مربوط چنین عمل کرده است:

Allah forbids! Truly your husband is my lord!

یعنی یوسف علی به دلیل در نظر نگرفتن ارجاع پیشین سوی، به اشتباه به جای ترجمه «رب» که به «خدا» برمی گردد، از قاعده Human master مک اولیف پیروی کرده است و به جای کلمه Lord یا Creator، کلمه lord را در عبارت و ترجمه خود آورده است و به جای اینکه

مرجع کلمه lord را ضمیر He قرار دهد که در واقع، به «رب (الله)» برمی‌گردد، به اشتباه کلمه your husband را به کار برده است.

ردیف	عامل انسجامی	آربری	صفا‌زاده	یوسف علی	نتیجه
۱	ارجاع پیشین سوی در بخش اول آیه	متوسط	متوسط	عالی	ترجمه یوسف علی دقیق و روان است و ترجمه‌اش از صفا‌زاده و آربری پذیرفتنی تر است.
۲	ارجاع پیشین سوی در بخش دوم آیه	ضعیف	عالی	ضعیف	ترجمه صفا‌زاده دقیق و روان است و ترجمه‌اش از یوسف علی و آربری پذیرفتنی تر است.
۳	ارجاع اشاره‌ای در بخش اول (در صورتی که ارجاع پیشین سوی در بخش اول لحاظ نشود)	متوسط	متوسط	عالی	ترجمه یوسف علی دقیق و روان است و ترجمه‌اش از صفا‌زاده و آربری پذیرفتنی تر است.

جدول ۶: ارزیابی کیفیت ترجمه‌های سه مترجم مربوط به آیه ۲۳ سوره یوسف

ردیف	عامل انسجامی	امتیاز آربی	امتیاز صفارزاده	امتیاز یوسف علی	امتیاز مترجم در هر عامل انسجامی
۱	ارجاع پیشین سوی در بخش اول آیه.	۲	۲	۴	۸
۲	ارجاع پیشین سوی در بخش دوم آیه.	۱	۴	۱	۶
۳	ارجاع اشاره‌ای در بخش اول (در صورتی که ارجاع پیشین سوی در بخش اول لحاظ نشود)	۲	۲	۴	۸
مجموع امتیاز		۵	۸	۹	۲۲

جدول ۷: امتیاز مترجمان بر اساس کیفیت ترجمه (سطح رعایت عامل انسجامی در ترجمه) در آیه ۲۳ سوره یوسف

ردیف	عامل انسجامی	عامل انسجامی (ارجاع)	تعداد عوامل انسجامی در ۱۵ آیه مورد بررسی	تعداد سوره‌هایی که در این تحقیق بررسی شده	تعداد آیاتی که در سوره یوسف بررسی شده	تعداد مترجمان مورد بررسی در تحقیق
۱	ارجاع	ارجاع پیشین سوی	۱۷	۱ (سوره یوسف)	۱۵	۳ (آربی، یوسف علی و صفارزاده)
۲	-	ارجاع اشاره‌ای	۶			
۳	-	ارجاع	۱			

		برون‌متنی				
۴	تضاد		۵			
۵						
۶						
مجموع	۲	۳	۲۹	۱	۱۵	۳

جدول ۸: آمار کلی تحقیق در آیات ۲۱-۳۵ سوره یوسف

در جدول زیر، نتایج کلی کار مترجمان در ابعاد مختلف نشان داده می‌شود:

عامل انسجامی	امتیاز آربری بر اساس کیفیت ترجمه (سطح رعایت هر عامل انسجامی در ترجمه)	امتیاز صفارزاده بر اساس کیفیت ترجمه (سطح رعایت هر عامل انسجامی در ترجمه)	امتیاز یوسف علی بر اساس کیفیت ترجمه (سطح رعایت هر عامل انسجامی در ترجمه)
ارجاع پیشین سوی	۶۳	۵۰	۵۴
ارجاع اشاره‌ای	۱۹	۱۶	۱۲
ارجاع برون‌متنی	۲	۴	۲
تضاد	۱۴	۲۰	۱۷
مجموع	۹۸	۹۰	۸۵

جدول ۹: نتیجه‌گیری کلی از تحقیق (مورد بررسی در آیات ۲۱-۳۵ سوره یوسف)

نتیجه گیری

در بررسی انجام شده در آیات ۲۱-۳۵ سوره یوسف، در هر آیه ابتدا عوامل انسجامی در متن مبدأ (قرآن) شناسایی و بررسی شد و آنگاه ترجمه هر مترجم بر طبق الگوی هالیدی و حسن و نیز تفاسیر و کتب دینی و قرآنی معتبر تجزیه و تحلیل شد و پس از آن، ترجمه ها با یکدیگر مقایسه شد و در هر آیه، ترجمه ای که دقیق تر، روان تر و فصیح تر، و در واقع، به متن قرآن نزدیکتر بود، احصاء شد که سرانجام مشخص شد که در مجموع ۱۵ آیه و دو عامل انسجامی مورد نظر (ارجاع و تضاد)، جان آربری ترجمه ای دقیق تر، روان تر، فصیح تر و کامل تر را نسبت به دو مترجم دیگر انجام داده است؛ زیرا به عوامل انسجامی مربوط دقت کرده است و آن عوامل را در ترجمه خود مد نظر قرار داده است و در نتیجه، ترجمه پذیرفتنی را که به متن مبدأ (قرآن) نزدیک تر بوده، ارائه داده است.

پیشنهادها

این بررسی اهمیت خاصی دارد و می تواند به عنوان ابتکاری برای تحقیقات بیشتری در این موضوع باشد و نتایج این تحقیق می تواند در زمینه علم ترجمه، مسائل آموزشی، پژوهشی، علوم دینی و مذهبی به کار گرفته شود و در نتیجه، می تواند به عنوان الگویی مناسب برای ارزیابی کیفی ترجمه های قرآنی، و نیز برنامه آموزشی مناسبی برای مترجمان باشد. پس می توان چنین نتیجه گرفت که سه هدف ویژه این تحقیق عبارتند از: ۱- رفتن به سوی ترجمه های کیفی تر قرآن مجید. ۲- ارائه راه و روش مناسب برای دانشجویان زبان در این شاخه از علم زبان انگلیسی. ۳- کار ابتکاری و ایجاد راهبردی اساسی در بررسی فصاحت و بلاغت قرآن و نیز انسجام و پیوستگی قرآن و ترجمه های قرآن و علوم قرآنی و معارف قرآن برای دانشجویان علوم قرآنی و دینی.

ضمناً دانشجویان رشته های زبان انگلیسی و علوم قرآنی می توانند در بحث عوامل انسجامی در همین سوره و آیات یا سوره های دیگر قرآن چنین کار تحقیقی را انجام دهند و یا در بحث پیوستگی آیات قرآن و وحدت موضوعی آن و دیگر ابعاد قرآن، از جمله فصاحت و بلاغت

آن، آهنگ و موسیقی آیات قرآن و یا بحث زیباشناختی آیات قرآن و دیگر ابعاد مختلف و متنوع آن پژوهش کنند. ضمناً دانشجویان می‌توانند در بحث عوامل انسجامی که در این تحقیق بر دو عامل (ارجاع و تضاد) کار انجام شد، بر عوامل دیگر، از جمله حذف، جایگزینی و... این بررسی را انجام دهند و یا غیر از الگوی هالیدی و حسن می‌توانند از الگوهای دیگری، از جمله نیومارک (Newmark)، بول (Yule)، ونوتی (Venuti) و... در این کار تحقیقاتی بهره ببرند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- الیاسیان الانکس، معصومه و علیرضا شعبانلو. (۱۳۹۰). «روابط مفهومی در مجموعه داستان یکی بود یکی نبود». *زیبایی‌شناسی ادبی*. س ۳. ش ۱۰. صص ۷۹-۹۶.
- انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۸۵). «مطالعه تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی سوره حمد». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. د ۱۱. ش ۳۱. صص ۱۷-۴۲.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق.). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- جلالی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸). «ضرورت شناخت و کاربرد انسجام و پیوستگی در ترجمه انگلیسی قرآن کریم». *ترجمان وحی*. ش ۲۵. صص ۱۵-۵۱.
- حرّی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «درباره کتاب سبک‌شناسی قرآن اثر حسین عبدالرئوف». *ماهنامه کتاب دین*. س ۱۵. ش ۵۸. صص ۷۰-۷۹.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۸). *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*. قم: ناهید و دوستان.
- _____ . (۱۳۷۳). «ترجمه انگلیسی جدید از قرآن کریم». *مجله بینات*. ش ۲. صص ۱۰۸-۱۱۲.
- الخطیب، عبدالله عبدالرحمن. (۱۳۸۹). «نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن». *ترجمان وحی*. ترجمه سعید زعفرانی‌زاده. ش ۲۸. صص ۷۲-۹۶.

- درویش، محیی‌الدین. (۱۴۱۵ق.). *اعراب القرآن و بیانه*. سوریه: دار الإرشاد.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۱). *منطق ترجمه قرآن*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- روشنعلی، رمضانعلی. (۱۳۸۷). *اهمیت عوامل انسجامی در ترجمه رمان*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب.
- زمانی، محمدحسن. (۱۳۹۱). *نقد و بررسی آرای مستشرقان درباره قرآن*. چ ۴. قم: بوستان کتاب.
- زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۷۰ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰). *ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید*. تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه کوثر-انتشارات هنر بیداری.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۹۹۷م.). *تفسیر المیزان*. ج ۱۱. قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- عبدالوی، محمد و ابوالفضل حرّی. (۱۳۸۹). «کژتابی‌های ترجمه قرآن به زبان انگلیسی». *پژوهش‌های قرآنی*. د ۱۶. ش ۶۲-۶۳. صص ۳۶۴-۳۸۰.
- قوامی، عبدالرضا. (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم». *مجله تحقیقات اسلامی*. ش ۱-۲ (پیاپی ۳۴). صص ۸۱-۱۱۴.
- مک اولیف، جین دمن. (۲۰۰۳م.). *دایره‌المعارف انگلیسی قرآن*. ج ۳. لیدن هلند: بریل.
- نژاد انصاری، داریوش. (۱۳۸۱). «بررسی تطبیقی ترجمه‌های شاکری و آربری از قرآن کریم». *مجله پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*. ش ۱۳. صص ۱۶۷-۱۸۰.
- نوری نجفی، شمس‌الدین. (۱۳۸۴). «نقدی گذرا بر نمونه‌هایی از ترجمه انگلیسی قرآن کریم». *مجله دانشکده علوم انسانی*. س ۱۴. ش ۵۸. صص ۹۳-۱۱۵.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۸). «نقد و ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم از سوره مبارکه انسان». *پژوهش دینی*. ش ۱۸. صص ۱۳۳-۱۶۳.
- وزیری فرد، سیدمحمدجواد. (۱۳۷۸). «بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم». *نشریه روش‌شناسی علوم انسانی*. د ۵. ش ۲۰. صص ۶۵-۸۴.

ویسی، الخاص. (۱۳۸۰). «نگاهی اجمالی به ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم». *فصلنامه زبان و علوم قرآن*. س ۲. ش ۵ و ۶. صص ۶۷-۷۱.

_____ (۱۳۸۲). «بررسی مشکلات معادلیابی واژگان قرآن و مذهبی در زبان انگلیسی». *پیک نور*. د ۱. ش ۳. صص ۱۱-۲۲.

Abu Hatab, Wafa. (2003). The cohesive role of reference in Quranic texts. *Educ. sci*

Arberry, Arthur Jeffrey. (2007). The Holy Quran Translation. Qum: Ansariyan.

Halliday, M., & Hasan, Roghayyeh. (1976). Cohesion in English. Newyork: Longman.

Saffarzadeh, Tahereh. (2011). The Holy Quran Translation. Tehran: Osveh.

Yousuf Ali, Abdullah. (1934). The Holy Quran. Lahore: Sheikh Mohammad Yousuf Ali.